وضوح وجود مصاحف متعدد و اختلاف بین آنها

من گاهی است اینها را خدمت شما می‌گویم که از تجربیات طلبگی است. بعضی از بحث‌ها هست که آنها مقابلش موضع می‌گیرند. به قول امروز گراد می‌گیرند که نگویید و چرا می‌گویید! اما این بحثی که عرض می‌کنم در کتب اصیل خودشان و علماء بزرگشان نسبت به آن اصلاً موضع نمی‌گیرند. یعنی الآن هم اگر پایان نامه بنویسند و استاد راهنما بیاید خروجی آنها همین است که من عرض می‌کنم. چرا ما قدر اینها را نمی‌دانیم. چیزهایی دارند که الآن موضع خودشان است و اگر ما آنها را بگوییم موضع نمی‌گیرند؛ اگر ما آنها را بگوییم فضای بحث زمین تا آسمان عوض می‌شود. چرا ما قدر اینها را نمی‌دانیم و اسمی از آن نمی بریم. یکی از آنها همین است. یعنی فضایی که قبل از عثمان بود...؛ آنها در منابع خودشان مشکلی ندارند تنها اسمی از آن نمی برند. با یک زحمت زیادی بعد از ابن مجاهد اجماع را جا انداختند. کتاب‌هایشان هم هست. این اجماع را جا انداختند. شما باید مهندسی معکوس کنید و نشان دهید که این اجماع‌ها دروغ است. به نحوی نشان دهید که آنها خودشان بپذیرند و اصلاً موضعی نداشته باشند.

مثلاً یکی ایلی از سلفی‌ها باشند. دانشگاه‌های مهم آنها باشد؛ اگر یک کلمه از ابن تیمیه بیاورید که این را گفته، همه تسلیم می‌شوند. اصلاً تسلیم محض می‌شوند. طوری نسبت به شیخ الاسلام ابن تیمیه تسلیم می‌شوند که مقابل صحیح بخاری این جور تسلیم نیستند. باید برخورد کنید و ببینید که اصلاً حالشان چطور است. در همین قرائات مهمترین تعبیرها را ابن تیمیه دارد. یعنی به قدری صریح صحبت کرده که وقتی بگویید این عبارت ابن تیمیه است، ساکت می‌شوند. بخش مهمی از آن را به نظرم در فدکیه گذاشته‌ام.

بنابراین این بخشی از کار ما است که وقتی از زمان حضرت شروع کردیم در این بین خیلی توقف کنیم. از زمان مصحف عثمان تا زمان حضرت که کار می‌کنیم خیلی از مصاحف متعددی که بوده مطرح شود؛ مصاحفی که خود اهلسنت مقابل آن در مطالب کلاسیکشان موضع گیری ندارند. ولو اگر پیدا شد حاضر هستند آن را آتش بزنند. یعنی در عمل در بغداد آنها را آتش زد. اما نمی‌توانند موضع گیری کنند. یکی از لوازمش صحیحه ابن حبان است. ابن حبان از علماء بزرگشان است. کتاب صحیح نوشته است. با دقت‌هایی که متاخرین دارند می‌گویند بعضی از آنها صحیح نیست و ما قبول نداریم. شعیب ارنووط و به نظرم البانی؛ شعیب ارنووط اقل از البانی هم هست. یعنی او خیلی از آنها را تضعیف می‌کند که البانی تصحیح می‌کند.

شعیب ارنووط بر صحیح ابن حبان تعلیقه دارد. وقتی به این حدیث می‌رسد می‌گوید «صحیحٌ». حدیث چیست؟ اصل حدیث مربوط به آیه شریفه است؛ «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجالٌ صَدَقُوا ما عاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضى نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَ ما بَدَّلُوا تَبْدِيلا[1]». قال حماد؛ حماد از تابعین است. متقدم است. البانی می‌گوید صحیحٌ برای آنها اصلاً مورد تردید نیست. این «صحیحٌ» البانی را به هر عالم سلفی و سنی نشان دهید تسلیم است. صحیح ابن حبان می‌گوید صحیح است. تصحیح شعیب ارنووط هم می‌گوید صحیح است. حماد چه چیزی می‌گوید؟ نمی‌گوید یک کسی گفت تا شما بگویید مرسل است. حماد می‌گوید با چشم خودم در مصحف ابی دیدم «و منهم من بدل تبدیلا». چند سال قبل ما سه-چهار جلسه در مورد این آیه صحبت کردیم. می‌گوید با چشم خودم دیدم.

الآن چند نفر از آن‌ها این را شنیده‌اند ای چند نفر از ما این را می‌گوییم؟! و حال این‌که طرفیتی در این حدیث است که سر جایش هنگامه می‌کند. این‌ها برای خود شما است که می‌گوید دیدم «و منهم من بدل تبدیلا». خب سبعة احرفی که شما می‌گویید بالزیادة و النقص است، بالتقدیم و التاخیر است در این مصحف بوده. پس ما در فاصله مصحف عثمان با شواهدی چیزهایی را زنده می‌کنیم که کسی در آن‌ها تردید نکند. هرچند خوششان نیاید اما از نظر بحثی از آن استقبال کنند. یعنی می‌بینند که طبق موازین خودشان است. اینجا باید ممتع صحبت کنیم که یکی از آن‌ها همین حدیث است. به‌وضوح نشان می‌دهد که ابی مصحف داشت.
علامه طباطبائی بالاتر از این را فرمودند. در مهر تابان جمله‌ای دارند که ذی قیمت است. فرمودند حتی یک صحابی مثل ابی چند مصحف مختلف داشتند. این خیلی ذی قیمت است. یک صحابی چند مصحف مختلف داشته باشد. یعنی مانعی ندارد یک مصحف ابی که حمام دیده به این صورت بوده «و منهم من بدل تبدیلا». خدای متعال خبر داده و در صحیح هم ثبت می‌شود و ما در قرن پانزدهم آن را از چشم حمام می‌بینیم. یک تابعی آن را دیده. ابی یک مصحف دیگری هم دارد که همین است؛ «و ما بدلوا تبدیلا». اگر در صفحه فدکیه ببینید «منهم من بدل تبدیلا» را ابن عباس هم دارد. تنها اینجا نیست. اینجا صحیح آن است. در کتب تفسیر سریع آن را در می‌کنند که مرسل است و ... اما اینجا دیگر قابل در شدن نیست. این مرحله مصاحف.
شاگرد: یعنی اگر دو پوشه باز کنیم یک پوشه مبانی علمی است که جوهره قرآن و ظهور آن در مصاحف است. یک پوشه هم نقاط عطف تاریخی است.
استاد: آقای هادی فضلی شانزده مرحله را ذکر می‌کنند.
شاگرد: عرض من این است که خود حضرت عالی در مباحثه خود به‌دنبال نقاط عطف تاریخی بودید؛ قرن دوم، قرن سوم، قرن چهارم، قرن چهاردهم؛ این‌ها را بفرمایید و همچنین اگر منابعی راجع به این‌ها باشد که بتوان به آن‌ها رجوع شود خوب است.
استاد: در این شش-هفت سالی که گذشت سیر مباحثه دقیق به یاد من نیست. به نظرم برخی از آن‌ها را یادداشت‌های مختلف داشتیم. حال باید ببینیم ذهن ما چطور تکمیل می‌شود. ما همین‌طور هائم علی وجه بودیم. یاد هست همین‌طور مطالعه می‌کردیم، واژه‌ای را جست و جو می‌کردیم و یک چیزی را پیدا می‌کردیم و به دنبالش می‌رفتیم. یعنی هیچ نظم خاصی نداشت. مباحثه هم خیلی گاهی متکرر می شد و چیز هایی گفته می شد که معلوم نبود و یک دفعه ای پیدا شده بود، ما هر روزی که مطالعه می‌کردم در مباحثه عرض می‌کردم که من این را پیدا کردم. این جوری جلو رفتیم. از اول مقدمه النشر شروع کردیم. به نظرم فایل هایش باشد. نزدیک سی-چهل صفحه می‌شود.

---

[1] الاحزاب ۲۳

بازبینی #2
ایجاد شده 20 مارس 2024 18:31:04 توسط ... .
به روزرسانی شده 14 مه 2024 14:56:39 توسط ... .